

گسترش روزافزون فقر در ایران

فقر چیست؟ فقر عبارت است از عدم توانایی در به دست آوردن عواملی که ادامه زندگی فرد را ممکن میسازد.

هر انسان گرسنه‌ای، بهتر از هزار نویسنده پر احساس، هم فقر را احساس می‌کند و هم می‌تواند آن را مجسم سازد. ما در این نوشته نمی‌توانیم این احساس را به کسی منتقل کنیم ولی می‌توانیم گسترش مرگ آور فقر و علل این گسترش را تحلیل نماییم.

«بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت در خصوص تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲» در ۲۳ اسفند ۱۴۰۱ مرز فقر را ۳۰ میلیون تومان ارزیابی کرده است. حال که حدود ۵ ماه از آن تاریخ می‌گذرد، مرز فقر بیش از ۳۱ میلیون تومان ارزیابی می‌شود.

تورم واقعی در پایان سال ۱۴۰۱ در بُعد هراس آوری‌ست: استیو هانکه اقتصاددان کاربردی اهل آمریکا و استاد دانشگاه جانز هاپکینز در توییت خود نوشت: «دیروز روزنامه تهران تایمز به غلط ادعا کرد تورم سالانه‌ی ایران ۴۷/۷ درصد است. من امروز به طور دقیق تورم ایران را محاسبه کردم که ۱۰۷/۵۵ درصد است، بیش از دو برابر رقم دروغینی که مرکز آمار ایران به تهران تایمز خوراند است». در این مورد نیز «یحیی ابراهیمی، نماینده مجلس می‌گوید که «تورم واقعی در کشور سه رقمی است...»» (بی بی سی فارسی - ۵ فروردین ۱۴۰۲)

این در حالی است که تورم نقطه‌ای فروردین ۱۴۰۲ که توسط بانک مرکزی اعلام گردیده است ۶۸,۷۷ درصد برآورد شده که از تورم ثبت شده در پایان سال گذشته حدودا ۴,۹ واحد درصد بالاتر آمده است. (اعداد از اکو ایران - قرائت در ۱۹ جولای ۲۰۲۳) خواننده به روشنی دغلكاری و جعل واقعیات را از جانب دولت سرمایه‌داری ایران می‌بیند.

مزد متوسط یک کارگر معمولی صنعتی بین ۵ تا ۶ میلیون تومان برآورد می‌شود. اگر این سطح از مزد را با مرز واقعی فقر مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که این کارگر ۶ بار پائین تر از مرز فقر زندگی می‌کند (زیر خط فقر مطلق). اگر بدن این کارگر برای ادامه زندگی و تولید به ۲۱۰۰ کیلو کالری محتاج باشد، فقط حدود ۳۳۹ کیلو کالری را می‌تواند با مزدش تأمین کند. این کارگر در پروسه تولید باید از جانش برای سرمایه‌داری مایه بگذارد تا بمیرد. این شرایط اقتصادی خانواده او را نیز در خود مچاله می‌کند. زن و فرزندان او نیز در گرسنگی، بی داروئی و ناامنی کامل به سر می‌برند. اگر هم در یک خانواده کارگری دو نفر شاغل باشند، باز هم این خانواده سه بار پائین تر از مرز فقر زندگی می‌کند. در واقع سیاست کارگری رژیم جمهوری اسلامی قتل عام خاموش و انبوه کارگران را کنترل شده پی‌می‌گیرد.

این اوضاع اسفناک و مرگبار مربوط به کسانی است که شغل دارند، مزد می‌گیرند و برای سرمایه‌داری تولید می‌کنند و ثروت می‌آفرینند. شرایط اقتصادی و اجتماعی بیکاران، دیگر قابل توصیف نیست.

«فردای اقتصاد» چنین اقرار می‌کند: «یک سبد خوراکی تأمین‌کننده ۲۱۰۰ کیلوکالری مد نظر قرار می‌گیرد. کسانی که نمی‌توانند چنین سبدی را تهیه کنند، دچار فقر خوراکی محسوب می‌شوند. بر این مبنا نمودار زیر نشان می‌دهد در چهار سال گذشته بیش از نیمی از جمعیت ایران کمتر از حداقل کالری مورد نیاز را دریافت کرده‌اند.» البته این سایت نمی‌گوید که بیش از نیمی یعنی چند درصد. به طور واقعی ولی حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر قرار دارند.

همین منبع می‌نویسد: «۳۰ درصد از مردم ایران یا ۲۵.۶ میلیون نفر دچار فقر مطلق هستند. البته نرخ فقر در مناطق روستایی از ۳۵ درصد هم عبور می‌کند.» (فردای اقتصاد - ۱۱ دی ۱۴۰۱) ولی آقای

حسین راغفر اقتصاددان بر مبنای محاسبات دقیق خود می‌گوید که بیش از ۳۳ درصد مردم ایران دچار فقر مطلق‌اند. ولی هنوز یک مسأله مهم توضیح داده نشده است. سؤال این است که بیشتر این ۳۳ درصد مربوط به کدام طبقه و اقشار جامعه است. این ۳۳ درصد را کارگران زحمتکش و حیات بخش کشور ما تشکیل می‌دهند.

در آمار بانک جهانی آمده است که اقتصاد ایران در سه ماهه اول ۲۰۲۲ (زمستان ۱۴۰۰) رشد ۵ درصدی را تجربه کرده و این رقم در سه ماهه دوم (بهار ۱۴۰۱) تا ۲,۵ درصد افت کرده، اما در سه ماهه سوم (تابستان ۱۴۰۱) ۳,۴ درصد و در سه ماهه چهارم (پاییز ۱۴۰۱) رشد ۴,۷ درصدی را داشته است. در واقع اقتصاد ایران در عرض یک سال به طور متوسط حدود ۳,۹۲۵ درصد رشد داشته است. این بدان معناست که کارگران پیدی، فکری و خدماتی در عرض همان سال ۳,۹۲۵ درصد بیشتر تولید کرده و بیشتر استثمار شده‌اند.

طبق داده‌های مرکز آمار ایران نرخ تورم زمستان ۱۳۹۹ تا پائیز ۱۴۰۰ حدود ۴۰ درصد بوده است. نرخ تورم فروردین ماه ۱۴۰۲ حدود ۵۵ درصد محاسبه شده است که در ۸۰ سال اخیر بی سابقه می‌باشد. اگر ما فاصله دو نرخ تورم در دو سال را جمع و تفریق کنیم ۱۵ درصد افزایش تورم داشته‌ایم (با در نظر نگرفتن جعلیات این آمار). حال اگر این عدد را به تورم واقعی ۱۰۷,۵۵ اضافه کنیم نرخ تقریباً واقعی تورم در ایران ۱۲۵,۵۵ درصد به دست می‌آید. البته این تورم در همه جا یکسان نیست در استانهای فقیر، شهرهای کوچک و روستاها درصد بالاتر و در شهرهای بزرگ درصد کمتری دارد. مثلاً نرخ تورم در کهگیلویه و بویر احمدی از همه جا بالاتر و در شهرهایی مثل اصفهان از همه جا پائین تر بوده است.

به بیان دیگر مزد ۵ میلیونی یک کارگر صنعتی در عرض دو سال ۱۲۵,۵۵ درصد از ارزش خود را از دست داده و به همین نسبت سفره خالی‌اش خالی‌تر گشته است. از جانب دیگر قیمت مواد غذایی افزایش سرسام آوری را نشان می‌دهد: افزایش نقطه به نقطه قیمت روغن در مهر ماه سال گذشته ۱۸۹ درصد بوده است. یعنی ۴ برابر گرانتر شده است. (دنیای اقتصاد)

کلاً رشد قیمت نقطه به نقطه اقلام خوراکی در مهر ماه ۷۰,۷ درصد و رشد قیمت نقطه به نقطه کالاهای غیر خوراکی ۳۶,۱ درصد بوده است. (دنیای اقتصاد)

از یک جانب مزد کارگران ۱۲۵,۵۵ درصد کاهش یافته و قیمت کالاهای مورد نیاز آنها بین ۱,۵ تا چهار برابر افزایش یافته است.

معضل بزرگ دیگر، معضل مسکن است. آفتاب نیوز از رکود بازار مسکن خبر می‌دهد و تورم آن را ۲۰۰۰ درصدی ارزیابی می‌کند. قیمت مسکن چنان است که اکثر مردم ایران قادر به داشتن سرپناه مساعد و دائمی نیستند.

در ایران اکثر مردم به ویژه کارگران با شکم گرسنه، خانواده‌ی بحران زده و لاعلاج، در بیماری و نا امنی بدون سر پناه و یا در سرپناهی نا امن و ناکافی، مشغول خلق ثروت برای اندکی سرمایه‌دار زالو صفت هستند.

مهمترین عوامل گرانی و فقر عبارتند از:

- ۱- طمع سرمایه‌داران در چپاول ارزش اضافه تولید شده توسط کارگران.
- ۲- تلاش جهت تبدیل کارگران به برده‌های اقتصادی.

۳- بحران نهادینه شده در نظام سرمایه‌داری. این بحران به صورت بحران اقتصادی و سپس سیاسی ظاهر می‌شود. اولین اقدام سرمایه‌داری جهت رفع بحران، فشار و چپاول بیشتر اقتصادی کارگران است.

این وضعیت فقط شامل ایران نیست. کلیه زحمتکشان جهان کم و بیش در چنین وضعیت اسفناکی روزگار می‌گذرانند.

ما در کمون شماره ۵ گسترش فقر را چنین توضیح دادیم: «بر مبنای داده‌های بانک جهانی، در ۲۰۰۸ حدود ۱/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق بودند. در سال ۲۰۱۴، حدود ۲/۵ میلیارد و در سال ۲۰۱۹، ۳/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق بوده‌اند. این روند فقط مربوط به کشورهای کمتر توسعه یافته و یا فقیر نیست بلکه کشورهای پیشرفته صنعتی را نیز دربر می‌گیرد. مثلاً در آلمان در سال ۲۰۱۸، حدود ۱۸/۷ درصد مردم در خط فقر زندگی می‌کردند. این درصد امروزه بیشتر است.»

کارگران و دیگر زحمتکشان ایران با برادران کارگر و زحمتکش خود در تمام کشورها با دشمن مشترکی دست به گریبانند. این امر همبستگی بین‌المللی کارگران را رقم می‌زند و اتحاد آن‌ها علیه سرمایه‌داری را قوام می‌بخشد.

نظم کمونیستی و نشریه کمون ۲۶

24.05.1402